

یادداشت

انقضای ریاست صداوسیما

علاوه بر این، اگر گفته شود ریاست بر سازمان بعد از پنج سال تا ابلاغ حکم جدید ادامه پیدا می‌کند، اعتبار مفهوم پنج سال از بین می‌رود. به عبارت دیگر، محدوده زمانی پنج سال که در حکم تصریح شده است، لغو و بیهوده می‌شود. طبق قواعد تفسیر، هر تفسیری که موجب اسناد لغو و بیهودگی به یک حکم یا قانون یا مصوبه شود، آن تفسیر مردود است. در حال حاضر دوره ریاست آقای جلیلی بر صداوسیما پایان یافته و حکمی برای تمدید ریاست ایشان یا انتصاب فرد دیگر صادر نشده است. با توجه به تفسیر حقوقی فوق، با انقضای مدت پنج‌ساله، ایشان به خودی خود از ریاست سازمان صداوسیما معزّل است و از ۷ مهرماه ۱۴۰۵ به بعد نمی‌تواند به عنوان رئیس سازمان صداوسیما فعالیت کند.

حق بر «توقف بیجا»

در کتاب اخیرم، «نزاع بر سر شهر»، منتشرشده از سوی کتاب شرق، نیز به این وجه از زندگی شهری پرداخته‌ام: کارکرد اجتماعی فضا همیشه از پیش در طرح و برنامه‌های مدیریت شهری یا نظم‌بخشی به فضای عمومی تعیین نمی‌شود. در استفاده روزمره از فضا، ظرفیت‌هایی کشف یا خلق می‌شود که چه‌سا از نگاه طراحان و مدیران دور مانده باشد. البته خیابان محل تلاقی حقوق مختلف نیز هست. آرامش ساکنان، دسترسی به ورودی‌ها و امکان عبور ایمن همگان باید حفظ شود. اما میان قدم‌زدن و سد معبر، میان مکث و مزاحمت، تفاوت وجود دارد. آنچه باید بررسی شود، آثار یک رفتار بر حقوق دیگران است: آیا مسیر مسدود شده، دسترسی مختل شده یا آسایش ساکنان آسیب دیده است؟ از این منظر، سخن رئیس پلیس اماکن درباره تعلق معبر به مردم، نه پایان بحث که نقطه آغاز آن است: چرا شهروند باید برای حضور خود در فضای عمومی دلیل بیاورد؟ تا زمانی که حقوق دیگران نقض نشده، این حضور نیست که نیازمند توجیه است؛ محدودکردن آن است که باید مبنای قانونی روشن داشته باشد. شهر از آن مردم است، از جمله مردمی که گاه برای ماندن به خیابان می‌آیند.

تأملی بر یک معمای سیاسی

از نظر حسابداری شاید تفاوت چندانی میان این دو نباشد؛ در هر دو حالت درآمد خانوار افزایش یافته است. اما از نظر اجتماعی تفاوت بزرگی وجود دارد.

شغل فقط منبع درآمد نیست؛ شغل به فرد احساس استقلال می‌دهد، مهارت او را ارزشمند می‌کند، برای او موقعیت اجتماعی می‌سازد و مهم‌تر از همه این احساس را ایجاد می‌کند که دیگران به کاری که او انجام می‌دهد نیاز دارند. به همین دلیل، دو پیام سیاسی که از نظر اقتصادی ممکن است نتیجه مشابهی داشته باشند، از نظر انسانی یکسان شنیده نمی‌شوند. یک پیام می‌گوید: «ما از دیگران می‌گیریم تا به تو کمک کنیم». پیام دیگر می‌گوید: «اقتصادی می‌سازیم که به کار تو نیاز داشته باشد».

برای بخشی از طبقه کارگر، پیام دوم ممکن است جذاب‌تر باشد. از این زاویه، معمای رای‌دادن کارگران به میلیاردرها نیز شکل دیگری پیدا می‌کند. ممکن است کارگر اساسا مسئله را به صورت «من در برابر ثروتمند» نبیند. پرسش او می‌تواند بسیار عملی‌تر باشد: حضور سرمایه و سرمایه‌گذار با زندگی من چه می‌کند؟ اگر پاسخ ذهنی او این باشد که سرمایه‌گذاری بیشتر کارخانه، شرکت، پروژه و شغل بیشتری ایجاد می‌کند، ثروتمندبودن یک سیاستمدار یا حضور میلیاردرها در اطراف یک جریان سیاسی الزام‌آرای او نقطه متغی محسوب نمی‌شود؛ حتی ممکن است ثروت یک کارآفرین در ذهن او نشانه توانایی ایجاد کسب‌وکار و اشتغال باشد. البته اینجا باید میان دو موضوع کاملا متفاوت تمایز گذاشت: یک چیز این است که رای‌دهندگان چه تصویری دارند و چیز دیگر اینکه سیاست‌های اقتصادی یک حزب واقعا چه نتایجی ایجاد می‌کند. کاهش مالیات یا مقررات لزوما به ایجاد شغل خوب منجر نمی‌شود. سرمایه‌گذاری نیز می‌تواند به فناوری‌هایی اختصاص پیدا کند که به‌جای استخدام کارگر، او را حذف می‌کنند. بنگاه‌های بزرگ حتی می‌توانند در بازاری که رقابت ضعیف است، قدرت چانه‌زنی کارگران را کاهش دهند.

بنابراین مسئله صرفا «شغل بیشتر» نیست؛ مسئله شغل خوب است؛ شغلی که بهره‌وری کارگر را افزایش دهد، دستمزد مناسبی داشته باشد، امکان پیشرفت ایجاد کند و مهم‌تر از همه تقاضا برای توانایی انسان را بالا ببرد.

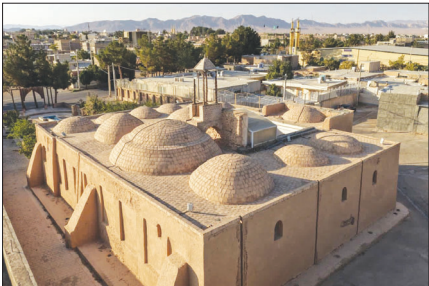
این همان نقطه‌ای است که عجم‌وغللو در بحث‌های خود درباره فناوری و آینده کار بر آن تاکید می‌کند: فناوری می‌تواند برای حذف انسان به کار رود، اما می‌تواند به شکلی توسعه پیدا کند که توانایی انسان را بیشتر و برای مهارت او تقاضای تازه ایجاد کند. شاید بتوان مسئله را با یک تمایز ساده‌تر توضیح داد: سیاست بازتوزیعی زمانی وارد عمل می‌شود که بازار کار خود نتایج‌ای نابرابر ایجاد کرده است. دولت سپس از طریق مالیات، یارانه و خدمات عمومی تلاش می‌کند بخشی از این نابرابری را اصلاح کند. اما راه دیگری نیز وجود دارد: اقتصادی که از همان ابتدا فرصت‌های بیشتری برای کسب درآمد ایجاد کند. در چنین اقتصادی، توزیع درآمد فقط پس از دریافت مالیات اصلاح نمی‌شود؛ افزایش تقاضا برای نیروی کار باعث می‌شود بخش بیشتری از جامعه بتواند درآمد مناسب را مستقیما از بازار به دست آورد.

ایین دو البته جانشین کامل یکدیگر نیستند. هر جامعه‌ای به شبکه تأمین اجتماعی نیاز دارد. بیماری، سالمندی، بیکاری و فقر همیشه وجود خواهند داشت و دولت نمی‌تواند نسبت به آنها بی‌تفاوت باشد. اما از نظر سیاسی، تفاوت مهمی میان جامعه‌ای وجود دارد که عمدتا می‌کوشد پیامدهای یک بازار کار ضعیف را جبران کند و جامعه‌ای که می‌کوشد خود بازار کار را به نفع نیروی کار تغییر دهد. این بحث برای اقتصاد ایران نیز شایان تأمل است. سال‌هاست بخش بزرگی از رقابت بر سر حمایت از اقشار کم‌درآمد، یارانه، پرداخت نقدی، قیمت انرژی، کالابرک و انواع دیگر سیاست‌های توزیع شکل گرفته است. گویی مهم‌ترین پرسش این است که دولت چه مقدار منابع در اختیار دارد و چه مقدار از آن را میان گروه‌های مختلف توزیع می‌کند؟

اما شاید سؤال مهم‌تری وجود داشته باشد: چه سیاستی باعث می‌شود اقتصاد ایران به نیروی کار ایرانی بیشتر نیاز داشته باشد؟ اگر سرمایه‌گذاری افزایش یابد، بنگاه‌های تازه شکل بگیرند و کسب‌وکارها برای استخدام نیروی متخصص، تکنسین، کارگر ماهر و حتی نیروی ساده یا یکدیگر رقابت کنند، رابطه کارگر با اقتصاد تغییر می‌کند. در آن شرایط، کارگر فقط دریافت‌کننده حمایت دولت نیست؛ او دارایی مهمی در اختیار دارد که بازار برای آن رقابت می‌کند: نیروی کار خودش. شاید یکی از مهم‌ترین خطاهای سیاست‌گذاری این باشد که حمایت از اقشار کم‌درآمد را فقط با میزان پولی که دولت میان آنها توزیع می‌کند، اندازه بگیریم.

برای کسی که مهم‌ترین دارایی‌اش نه زمین است، نه سهام و نه سرمایه مالی، مهم‌ترین سؤال اقتصادی می‌تواند این باشد که نیروی کار من چقدر ارزش دارد و چند نفر حاضرند برای آن پول بدهند؟ از این منظر، سیاست حامی کارگر، الزاما سیاستی نیست که بیشترین یارانه را پرداخت می‌کند؛ ممکن است سیاستی باشد که بیشترین تقاضا را برای نیروی کار ایجاد می‌کند.

و شاید همین نکته بخشی از معمای را توضیح دهد که سخنان عجم‌وغللو پیش‌روی ما می‌گذارد: چرا کارگران گاهی به میلیاردرها و احزاب راست رای می‌دهند؟ شاید چون سیاست فقط نزاع بر سر تقسیم کیک نیست؛ نزاع بر سر این هم هست که چه کسی در پختن کیک مورد نیاز است. برای کسی که مهم‌ترین سرمایه‌اش توانایی کارکردن است، وعده اقتصادی که به کار او نیاز داشته باشد، گاهی می‌تواند جذاب‌تر از وعده سهم بیشتری از بازتوزیع باشد.



گزارش میدانی «شرق» از خراسان شمالی؛ استانی که به شبکه راه‌آهن وصل نیست و برای جذب گردشگر نیاز به دیده‌شدن دارد

جاذبه‌های بسیار، راه‌های دشوار

شمالی را برای گردش انتخاب می‌کند، احتمالا بارها و بارها سایر مسیرهای گردشگری ایران را پیموده و درواقع مردم اینجا در حال پس‌دادن یک آزمون هستند و گویا اجازه اشتباه‌کردن ندارند».

خراسان شمالی؛ محل زندگی هلیا و فرزندان‌ش

شهرستان جاجرم اولین شهرستانی بود که بازدید کردیم. آثار تاریخی زیادی در این شهرستان وجود دارد که می‌تواند گردشگران را به خود جذب کند. ابراهیم اخوان، رئیس شورای اسلامی شهر جاجرم، برای ما درباره شهرشان صحبت کرد: «جاجرم مهد اندیشه و تمدن است و قدمت تاریخی چندین‌هزارساله دارد. این شهر لایه‌های مختلف تاریخی از اعصار چندهزارساله گرفته تا دوران قاجار را در خود جا داده است. ما میراث‌دار این تمدنیم و تلاش‌مان این است که در وهله اول حافظ و نگهدار آن باشیم و در مرحله دوم بتوانیم این آثار را به هم‌وطنانمان معرفی کنیم». او درباره آثار تاریخی و طبیعی موجود جاجرم می‌گوید:

«مسجد جامع جاجرم از مساجد اولیه اسلامی در قرن شش هجری است. این مسجد تک‌ایوانه شمالی زیباست و سالم مانده. دلیل اینکه سازه آن تا امروز بدون تخریب برجا مانده، حفاظت مشارکتی است که درواقع همه مردم در حفظ این بنا نقش دارند. علاوه بر آن استان خراسان شمالی و شهرستان جاجرم در حوزه میراث طبیعی هم دارای جاذبه‌های زیادی است. پناهگاه حیات وحش میاندشت محل زندگی گونه نادر یوزپلنگ آسیایی است که هلیا، یوزپلنگ معروف هم با مشکلات مالی دست‌وپنجه نرم می‌کند؛ می‌کند و ما به عنوان نماد لزوم حفاظت از یوز آسیایی، مجسمه هلیا و توله‌هایش را در میدان ورودی جاجرم نصب کردیم». او به وجود کاروانسرای ثبت جهانی قلی در این منطقه اشاره می‌کند: «قلی تنها کاروانسرای سنگی و رنگی ایران در مسیر جاده ابریشم است که در شهرستان جاجرم قرار دارد. وجود مسیر راه ابریشم در این شهرستان هم با جاذبه‌های آن است».

نبود گذرگاه مرزی؛ مانعی برای توسعه گردشگری

خراسان شمالی از شمال و شمال شرق با ترکمنستان مرز مشترک دارد اما این مرز تقریبا بیست است و رفت و آمد تاجار و مسافران از آن صورت نمی‌گیرد. موضوعی که مسئولان و مردم این استان، آن‌طور که ما در گفت‌وگو با آنها به آن پی بردیم، مرز را فرصتی می‌دانند که اگر باز بود و امکان تردد وجود داشت، می‌توانست به رونق تجارت، صنعت و گردشگری در این استان بینجامد. در نشستی که با مسئولان اتاق بازرگانی بجنورد، مرکز استان خراسان شمالی داشتیم، صحبت از کمبود امکانات لازم برای تولید و الزامات رفاهی این استان به میان آمد. استفاده از ظرفیت‌های مرز ایران و ترکمنستان از خواسته‌های مهم این مدیران بود. عباس کاظمی، رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی بجنورد به پاسخ به سؤالی که در این زمینه از او پرسیدیم گفت: استان ما با ۳۰۰ کیلومتر مرز، گذرگاه مرزی با ترکمنستان ندارد. او با انتقاد از نبود گذرگاه مرزی در این استان، خواستار پیگیری جدی بازگشایی مسیر ارتباطی با ترکمنستان شد و گفت: ما استان محروم نیستیم، استان مظلومیم؛ تنها استان مرزی با ۳۰۰ کیلومتر مرز که گذرگاه مرزی ندارد و از این نظر تفاوتی با یک استان غیرمرزی نداریم. ما از امکان ارتباط مستقیم مرزی محرومیم، موضوعی که بر توسعه گردشگری و مبادلات اقتصادی استان تأثیر گذاشته است.

این مسئول با اشاره به نزدیکی عشق‌آباد، پایتخت ترکمنستان، به شهرهای خراسان شمالی می‌گوید: فاصله شبروان تا عشق‌آباد کمتر از ۶۰ کیلومتر است و از ارتفاعات منطقه نیز می‌توان بخش‌هایی از این شهر را مشاهده کرد؛ با این حال، محدودیت‌های مرزی ترکمنستان مانع بهره‌برداری از این ظرفیت شده است». او از رئیس‌جمهور درخواست می‌کند موضوع بازگشایی گذرگاه مرزی در تعاملات با ترکمنستان مورد توجه قرار گیرد: «ایین مطالبه فقط به گردشگری محدود نمی‌شود، بلکه می‌تواند به توسعه تجارت و دسترسی ایران به بازار کشورهای آسیای میانه نیز کمک کند». در این نشست علاوه بر موضوع مرز، درباره ضعف زیرساخت اینترنت و کمبود تبلیغات و سرمایه‌گذاری در گردشگری استان هم صحبت شد.

ضعف اینترنت؛ مانعی برای جذب گردشگر

رئیس اتاق بازرگانی خراسان شمالی از ضعف زیرساخت اینترنت گلایه می‌کند: «این مشکل در برخی مناطق استان جدی‌تر است و حتی در بعضی نقاط، دسترسی به اینترنت



با اختلال یا قطعی مواجه می‌شود». او اینترنت را از نیازهای ضروری زندگی و توسعه در جهان امروز می‌داند و تاکید می‌کند این مطالبه باید از سوی رسانه‌ها منعکس شود. ضعف اینترنت، به‌ویژه برای گردشگران خارجی، می‌تواند بر کیفیت تجربه سفر و امکان استفاده از خدمات آنلاین اثر بگذارد؛ موضوعی که در کنار محدودیت‌های حمل‌ونقل و اقامت، از موانع توسعه گردشگری خراسان شمالی به شمار می‌رود.

کمبود امکانات حمل‌ونقل یک مشکل مهم است

رئیس اتاق بازرگانی بجنورد در پاسخ به پرسش خبرنگاران درباره اقدامات اتاق بازرگانی برای جذب گردشگر و حمایت از سرمایه‌گذاران توضیح می‌دهد کمیسوین گردشگری و کمیسوین صنایع دستی در اتاق بازرگانی استان در این زمینه فعال‌اند. به گفته کاظمی، کمیسوین گردشگری با برگزاری برنامه‌ها، پیگیری مسائل فعالان این حوزه، حمایت از حضور در نمایشگاه‌ها و معرفی ظرفیت‌های مناطق مختلف استان فعالیت دارد. او با اشاره به اهمیت گردشگری به عنوان یک صنعت اقتصادی تاکید می‌کند این حوزه باید هم‌تراز سایر صنایع، از جمله فولاد و سیمان، مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا گردشگری می‌تواند در جذب سرمایه، ایجاد اشتغال و افزایش درآمد مناطق مختلف نقش داشته باشد. این مسئول با اشاره به قرارگرفتن خراسان شمالی در مسیر رفت‌وآمد زائران مشهد می‌گوید: «بر اساس آمار مطرح‌شده در نشست، سالانه میلیون‌ها نفر در مسیر سفر به مشهد از این محدوده عبور می‌کنند». به گفته او، حتی جذب بخشی از این مسافران می‌تواند به افزایش درآمد استان کمک کند: «ایجاد امکانات رفاهی و گردشگری در روستاهای حاشیه جاده‌ها، فراهم‌کردن فضاهای مناسب برای استراحت و معرفی جاذبه‌های محلی می‌تواند هم به رونق اقتصاد روستایی کمک کند و هم از خستگی رانندگان و خطر تصادفات بکاهد».

حمل‌ونقل موضوع دیگری است که مردم استان با آن درگیرند. تنها ایستگاه قطار در استان خراسان شمالی، در جاجرم یعنی جنوبی‌ترین شهرستان استان ساخته شده و درواقع حتی مرکز استان یعنی بجنورد هم به حمل‌ونقل ریلی دسترسی ندارد. تنها شهر دارای فروگاه هم بجنورد است. علاوه بر اینها، ناوگان اتوبوس هم به نوسازی نیاز دارد و همه اینها دست به دست هم داده تا مردم برای حمل‌ونقل به دردرس بیفتند. این شرایط، ورود گردشگر به استان خراسان شمالی و گردش مسافران در شهرهای این استان را هم سخت کرده است.

فرش و موسیقی از جاذبه‌های خراسان شمالی

همه اینها در حالی است که همان‌طوره‌که گفته شد، استان خراسان شمالی ظرفیت‌های زیادی در حوزه گردشگری دارد. میراث فرهنگی و طبیعی و صنایع دستی خاص آن می‌تواند هدفی برای حضور گردشگران باشد تا درآمد مردم افزایش پیدا کند و کیفیت زندگی در این استان بالاتر برود.

بالاترین برد، از جمله صنایع دستی که نظر ما را در این سفر جذب کرد، فرش دوروی روستای دویدوخ یکی از فرش‌های دستباف خاص ایران بود. این فرش به صورت ذهنی، بدون وجود نقش و توسط دو بافنده بافته می‌شود که به طور هم‌زمان در دو سوی دار قالی می‌نشینند و در نهایت یک فرش دو رو به دست می‌آید. استان خراسان شمالی به دوتارنوازی هم شهرت دارد. ما در بخشی از سفر، گوش به نای «بخشی»‌ها حسیردیم؛ استادانی که به دست خود دوتار می‌سازند، می‌نوازند و آواز می‌خوانند. زیبایی نوای ساز و آواز این استادان از طریق وازه‌هایی که می‌نویسم قابل انتقال نیست، همان‌طوره‌که نوشتن درباره همه آنچه در این استان دیدیم در فرصتی کوتاه امکان‌پذیر نیست. ما صبحانه آخر را در روستای کنار ایستگاه راه‌آهن جاجرم، میهمان سفره مردم روستا بودیم؛ مردمی که پدرای ما بودند تا از درهایشان بنویسیم.

خبرخوان

شناسایی سالانه بیش از ۱۵۶ هزار مبتلا به سرطان

ایرنا: دبیر کمیته ملی پیشگیری و کنترل سرطان با تشریح سیمای بیماری سرطان و بار مالی ناشی از آن در کشور، از شناسایی سالانه ۱۵۶ هزار و ۴۶۷ مورد جدید ابتلا خبر داد و بر لزوم ارتقای زیست‌بوم ملی داده‌ها و کاهش زمان تشخیص به‌ویژه در سرطان پستان تاکید کرد.
علی مطلق افروز: «در حال حاضر از تمام مبتلایان به بیماری سرطان، حدود ۳۸۹ هزار و ۴۶۶ بیمار تا ۵ سال پس از تشخیص زنده می‌مانند، همچنین آمارها نشان می‌دهد که به طور میانگین از هر ۱۰ بیمار مبتلا به سرطان، یک نفر پیش از رسیدن به ۷۵ سالگی جان خود را از دست می‌دهد».
او درباره شایع‌ترین انواع سرطان در کشور گفت: «پنج سرطان با بیشترین فراوانی در هر دو جنس شامل سرطان‌های پستان، کولورکتال (روده بزرگ)، معده، پروستات و ریه است که نیازمند مداخلات متمرکز و نظام‌مند غربالگری و تشخیصی است».
مطلق با اشاره به وضعیت سرطان پستان به‌عنوان شایع‌ترین سرطان زنان در کشور، افزود: «سالانه ۲۱ هزار و ۳۰۴ مورد جدید ابتلا به سرطان پستان در ایران، و نزدیک‌تر بروز و تأخیر در زمان تشخیص است؛ به طوری که میانگین سنی ابتلا به سرطان پستان در کشور ۴۰٫۸ سال ثبت شده است».
او ادامه داد: «متأسفانه ۵۰٫۸ درصد از بیماران مبتلا به سرطان پستان در مراحل پیشرفته (مرحله سه و چهار) تشخیص داده می‌شوند و ۳۴ درصد از مبتلایان بیش از سه ماه برای قطعی‌شدن تشخیص در انتظار می‌مانند. این بازه زمانی طولانی نیازمند اصلاح و مداخله جدی اسخت و باید حداقل به کمتر از دو ماه کاهش یابد تا شانس درمان موفق افزایش یابد».

بازگشت ۴۸ هزار کودک به مدرسه

معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش با اشاره به شناسایی حدود ۱۴۰ هزار کودک بازمانده از تحصیل آموزش‌پذیر گفت: ۴۸۰ هزار کودک بازمانده از تحصیل در مدارس کشور جذب و ثبت‌نام شدند.
رضوان حکیم‌زاده افروز: «بازماندگی از تحصیل پدیده‌ای چندوجهی است که عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، خانوادگی و جغرافیایی در شکل‌گیری آن نقش دارند و نمی‌توان مسئولیت حل این مسئله را صرفا متوجه آموزش و پرورش دانست».
او با ارائه گزارشی از نتایج اقدامات انجام‌شده در سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۵ گفت: «بر اساس بررسی‌ها و پالایش اطلاعات، حدود ۱۴۰ هزار کودک بازمانده از تحصیل داخل کشور و آموزش‌پذیر شناسایی شده‌اند که این آمار ضرورت استمرار اقدامات هدفمند برای شناسایی، جذب و نگهداشت کودکان در نظام آموزشی را نشان می‌دهد. با پیگیری‌های انجام‌شده و همکاری مجموعه آموزش و پرورش، استانداری‌ها، دستگاه‌های اجرایی، نهادهای حمایتی و دستگاه قضائی، ۴۸ هزار کودک بازمانده از تحصیل جذب و در مدارس ثبت‌نام شدند».

پروانه بهره برداری شرکت دارو سلامت فارمد به شماره ثبت ۱۷۶۲۷ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۴۷۵۹۹۰ به شماره پروانه ۳۲۴۳۱۵۶ و تاریخ ۱۴/۰۵/۱۴ مربوط به محصولات (۱) انواع داروهای دستگاه گوارشی به شکل ساشه به کد آتیسک پودر به کد آتیسک ۲۴۲۳۴۱۲۹۸۲ (۲، انواع ویتامین و املاح معدنی به شکل گیاهی به شکل قرص به کد آتیسک ۲۴۲۳۴۱۳۸۰۴ (۴، انواع دارو با منشأ گیاهی به شکل کپسول به کد آتیسک ۲۴۲۳۴۱۳۸۱۳ (۵، انواع مکمل دارویی و غذایی انسان به شکل قرص به کد آتیسک ۲۴۲۳۴۱۴۳۳۱ (۶، انواع مکمل دارویی و غذایی انسان به شکل کپسول به کد آتیسک ۲۴۲۳۴۱۴۳۳۲ (۷، انواع ویتامین و املاح معدنی به شکل شربت به کد آتیسک ۲۴۲۳۴۱۳۲۸۲ (۸، انواع ویتامین و املاح معدنی به شکل قطره به کد آتیسک ۲۴۲۳۴۱۳۲۷۴ (۹) انواع مکمل دارویی و غذایی انسان به شکل قطره به کد آتیسک ۲۴۲۳۴۱۴۸۹۷ (۱۰، انواع مکمل دارویی و غذایی انسان به شکل محلول به کد آتیسک ۲۴۲۳۴۱۴۸۹۷ (۱۱) انواع دارو با منشأ گیاهی به شکل قطره به کد آتیسک ۲۴۲۳۴۱۳۲۷۷۱ (۱۲) انواع پودر فشرده نوشیدنی فوری به کد آتیسک ۱۵۴۹۴۱۲۷۰۴ به تاریخ۱۴۰۴/۱۲/۱۵ مفقود شده واز درجه اعتبار ساقط است.